



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 2, 2025

A Comparative Study of the Scope of Interpretation in Favor of the Accused in International Criminal Law and Iranian Law

Esmail Honary Ghane*¹

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 75-92

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +989187039362

Email: esmailhonary@yahoo.com

Article history:

Received: 31 Jan 2025

Revised: 28 Apr 2025

Accepted: 22 May 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Narrow Interpretation, Fair Trial Analogy, Formal Rules, Criminal Prosecution.

ABSTRACT

Achieving a fair trial and achieving common and specific goals of criminal law requires the observance of some substantive and formal rules based on rational principles or general principles. The primary and important purpose of these principles is to guarantee individual rights and freedoms. One of these essential principles is the principle of interpretation in favor of the accused in the position of interpretation of formal and substantive rules, which is first matured in the domestic criminal law of countries and then transferred to international criminal law as a certain value of all penal systems. In this article, an attempt has been made to explain the scope and scope of citing this principle in the interpretations of criminal regulations. Of course, the implementation of the principle includes challenges that, observing the rights of victims, paying special attention to the dangerous situation for some criminals and protecting the rights of society are the most important obstacles to the application of this principle in general. In international criminal courts, due to the special nature of their creative origin, the mentioned principle has been accompanied by changes in practice, and in the issued verdicts, citing obstacles to this interpretation, the defendant's profit has sometimes been ignored. Comparing Iranian law with international criminal law, it can be said that the principle of innocence, the principle of legality of crime and punishment is one of the most important theoretical foundations of interpretation in favor of the accused.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Honary Ghane, E (2025). "A Comparative Study of the Scope of interpretation in Favor of the Accused in International Criminal Law and Iranian Law". *Journal of International Criminal Law*, 3(2): 75-92.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

مطالعه تطبیقی تزییقات وارده به اعمال اصل تفسیر به نفع متهم در حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق ایران

اسماعیل هنری قانع*

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

تحقق دادرسی عادلانه و نیل به اهداف مشترک و اختصاصی حقوق کیفری مستلزم رعایت برخی قواعد ماهوی و شکلی مبتنی بر بنای عقلا یا اصول کلی است. هدف اولیه و مهم این اصول، تضمین حقوق و آزادی‌های فردی است. یکی از این اصول ماهوی، اصل تفسیر به نفع متهم در مقام و موضع تفسیر قواعد شکلی و ماهوی است که ابتدا، در حقوق کیفری داخلی کشورها نضج گرفته و سپس، به‌عنوان قدر متیقن همه نظام‌های کیفری به حقوق کیفری بین‌المللی نیز منتقل شده است. در این مقاله تلاش شده است محدود و قلمرو استناد به این اصل در تفاسیر مقررات کیفری تبیین شود. البته، اجرای اصل، چالش‌هایی را در بردارد که رعایت حقوق بزه‌دیدگان، توجه ویژه به حالت خطرناک برای برخی مجرمین و حفظ حقوق جامعه از مهم‌ترین موانع اعمال اصل مذکور به‌صورت کلی می‌باشند. در محاکم کیفری بین‌المللی به جهت ماهیت خاص منشأ ایجاد آنها، اصل مذکور در عمل با تغییراتی همراه شده و در آرای صادره بیشتر به استناد موانع این تفسیر سود متهم بعضاً نادیده گرفته شده است. در مقایسه حقوق ایران با حقوق کیفری بین‌المللی، می‌توان گفت که اصل برائت، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات از مهم‌ترین مبانی نظری تفسیر به سود متهم بوده و منع محاکمه‌ی مجدد و منع اعمال مجازات مضاعف نیز از آثار این اصل به‌شمار می‌روند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۹۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۹۱۸۷۰۳۹۳۶۲

ایمیل: esmailhonary@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

تفسیر، نفع متهم، مضیق، اصول کلی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

می‌باشد. ماهیت ویژه‌ی محاکمات بین‌المللی و نیز موقعیت خاص حقوق کیفری ایران با در نظر گرفتن منابع حاکم بر آن در موضوع تفسیر به نفع متهم می‌تواند بیانگر قواعدی باشد که در نهایت، به دادرسی عادلانه منجر شود.

۲- مفهوم تفسیر شک به نفع متهم

تفسیر مصدر باب تفعیل از ماده «فسر»، جمع آن «تفاسیر» در لغت، به معنای روشن کردن و توضیح دادن مطلب و کشف نمودن آمده است. برخی نیز گفته‌اند: تفسیر، روشن کردن و کشف نمودن مراد و مقصود از لفظ مشکل است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵: ۵۵).

تفسیر را این‌گونه تعریف کرده‌اند: تفسیر قانون عبارت است از تعیین معنی دقیق و گسترده قاعده حقوقی (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۱۰). شک را قسمتی از جهل تلقی کرده‌اند، زیرا جهل عدم علم به نقیضین است؛ بنابراین، هر شکی جهل است، در حالی که هر شکی جهل نیست (زبیدی، ۱۳۰۶: ۶۷۹/۱۰).

تفسیر را در حقوق باید به معنی فعالیتی دانست که توسط اشخاصی مانند قضات یا حقوقدانان صورت می‌گیرد و در این فرآیند، بسیاری از نقاط ضعف و چالش‌ها برطرف می‌شود و همچنین، برخی از نواقص قانون هویدا می‌گردد و از سوی دیگر، مسأله‌ی حقوقی بوجود آمده نیز برطرف می‌شود و همین مسأله است که موجب شده است بسیاری از مفسران حقوق و بخصوص، حقوق کیفری تلاش کنند تا تفسیر قوانین را به شیوه‌هایی انجام دهند که به دور از قیاس و البته، با مراعات اصول حقوقی مانند قانونی بودن جرم و مجازات و در نهایت، نفع متهم صورت پذیرد. در مورد اینکه آیا تفسیر اصولاً در امور جزایی جایگاهی دارد یا خیر؟ موافقان و مخالفان دلایل زیادی ارائه داده‌اند که نهایتاً، موجب می‌شود اصولی از این دلایل به دست آید که تفسیر در امور جزایی را محدود نماید.

آنچه مسلم است، اینکه تفسیر در حقوق و در توضیح عبارات قانونی لازم و ضروری به نظر می‌رسد و این مسأله نمی‌تواند مورد انکار قرار بگیرد و در غیر اینصورت، به نظر می‌رسد که باید هر روز و در برخورد با هرگونه مسأله‌ای، اقدام به قانون گذاری نمود و به طرق مختلف مانند حل‌وفصل غیرحقوقی دعاوی مانند دوری و امثال آن روی آورد. البته، نباید فراموش

تفسیر به نفع متهم در حقیقت، به جهت حفظ حقوق فردی ایجاد شده است و در سیاست کیفری این اصل کاملاً ضروری است؛ چراکه وجود قانون روشن و قابل فهم که حقوق فردی و آزادی او را تضمین نماید، می‌تواند بسیار راهگشا و مفید فایده باشد. رابطه‌ی دو نوع تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین جزایی باید مشخص شود، زیرا هر تفسیر مضیقی به نفع متهم نیست و تفسیر به نفع متهم نیز همیشه مضیق نیست. در این مقاله تلاش می‌شود مفهوم و ماهیت تفسیر شک به نفع متهم و همچنین، اصول و قواعد حاکم بر تفسیر قوانین کیفری در حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق ایران به صورت تطبیقی بحث شود و قلمرو حاکم بر تفسیر به نفع متهم مورد ارزیابی قرار گیرد. هرچند اصول حاکم بر حقوق کیفری بین‌المللی تفاوت-های بنیادین با حقوق کیفری داخلی دارند و نحوه‌ی محاکمات، صدور آرا و از همه مهم‌تر، اجرای مجازات‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف که مهم‌ترین آن، تفاوت در نوع ضمانت اجرا می‌باشد، ولی به نظر می‌رسد که این اصول همچنان می‌تواند مهم‌ترین اصول یک دادرسی عادلانه باشد.

اصولاً، اصطلاح متهم در زمانی خاص به اشخاص منتسب می‌شود و همین انتساب خود باعث ایجاد حقوقی برای او و یا سلب حقوقی خاص برای او می‌شود. تبدیل موقعیت از مظنون به متهم در محاکم کیفری بین‌المللی زمانی است که جرائم اتهامی مندرج در کیفرخواست توسط قاضی تحقیق یا شعبه مقدماتی تأیید شده باشد. لذا، تا این مرحله فرد مظنون است؛ چنانکه در محاکم کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در قاعده ۲ از قواعد آیین دادرسی ادله اثبات از واژه‌های مظنون و متهم استفاده شده است و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از واژه‌ی متهم و مظنون استفاده نمی‌کند. در اساسنامه‌ی دادگاه ویژه‌ی لبنان، به تفکیک به حقوق مظنون و متهم پرداخته شده است و این در حالی است که در اساسنامه‌ی دادگاه نورنبرگ، همواره از کلمه متهم استفاده شده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳).

میانی تفسیر به نفع متهم و نیز قلمرو این تفسیر در حقوق داخلی و بین‌المللی دارای اشتراکات و تفاوت‌های خاص خود

قوانین کیفری مدنظر قانونگذار بوده است و در این فایده-گرایی، هر جا شک و تردید در نفع متهم و دیگر منافع ایجاد شود، تفسیر شک به نفع متهم، گرایش به سوی متهم خواهد داشت. البته، این اصل نیز قطعاً استثنائات و تفسیقاتی در حقوق داخلی و بین‌المللی خواهد داشت که در تعیین قلمرو آن مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قاعده مذکور از متهم و منافع او در برابر قاضی و قانون دفاع می‌کند و آنچه را که به روشنی جرم‌بودن آن دانسته نیست، از شمول قانون و مقررات جزایی خارج می‌سازد یا دست‌کم رفتار متهم را در معرض مساعدترین مقررات و ملایم‌ترین تفسیرها قرار می‌دهد. این قاعده هم در قبال قانونگذار مؤثر است و موجب رعایت دقت نظر بیشتر در تعریف و توصیف رفتارهای جزایی و پیامدهای آنها می‌شود و هم قاضی را از تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی به استناد قوانین میهم و مشکوک باز می‌دارد. و مسلماً، این قاعده درخصوص قوانین صریح و روشن به اجرا گذاشته نخواهد شد (امیدی، ۱۳۷۷: ۳۵).

زیاده‌روی و بی‌دقتی در اعمال این قاعده پذیرفته نیست، چراکه قاضی موظف به احراز نظر مقنن و تطبیق قانون بر وقایع است. قاضی در دوره‌های نفع متهم و امنیت و نظم اجتماعی و البته، حقوق زبان‌دیدگان نمی‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد؛ هرچند که تفسیر دشوار باشد، اصل مذکور در راستای رفع تکلیف از قضات به اجرا گذاشته نخواهد شد. ارتباطات جدید و فناوری‌های نوین راه‌های بیشماری برای ایجاد آسیب‌های جسمانی، روانی و مالی ایجاد کرده‌اند. ایجاد شک در جرم‌بودن و در نتیجه، قابل مجازات‌بودن این اعمال نمی‌تواند با تفسیر شک به نفع متهم فیصله یابد؛ چراکه اصولاً احصای این اعمال مجرمانه هیچ‌گاه به جامعیت امکان‌پذیر نیست. نهایت اینکه قاضی وکیل متهم نیست و قضاوت به همین دلیل از دشوارترین کارهاست. اگرچه در اعمال این اصل نباید تردید کرد، ولی تفسیقات وارده بر آن نیز به مانند مبانی و توجیحات آن اهمیت دارد و در راستای تعدیل آن می‌تواند مؤثر باشد.

مسأله‌ی دیگر، تعیین نفع متهم است. در نگاه اول، نفع متهم در برائت اوست و یا تعیین حداقل مجازات می‌تواند باشد. مسلماً، این دیدگاه نادرست نیست. بنابراین، تفسیر شک به نفع

کرد که تبعیت از قانون یک الزام است و در مواقعی که هیچ ابهامی در قانون وجود ندارد، باید به حکم قانون گردن نهاد و تفسیر تنها در موارد زیر امکان‌پذیر است:

۱- در مواقعی که قانون ناقص باشد، مانند اینکه برخی از مسائل را به هر دلیلی اعم از نبودن یا اشتباه و... در خود نداشته باشد.

۲- پیچیدگی قانون و وجود ابهام در عبارات آن به گونه‌ای که نتوان حکم موضوع را استنباط کرد. گاهی الفاظی برای بیان قانون وجود ندارد و به همین دلیل، استفاده از الفاظ مشترک یا دارای معانی متعدد موجب این موضوع می‌شود.

۳- گاهی پیش می‌آید که دو قانون با یکدیگر تعارض دارند و حل این تعارض تنها با تفسیر آن‌ها امکان‌پذیر است و نمی‌تواند یکی از دو قانون را انتخاب نمود.

۴- گاهی نیز در یک موضوع اساساً، قانونی وجود ندارد تا بتوانیم به آن تمسک جویم و ناگزیریم به موارد مشابه رجوع و اقدام به تفسیر کنیم.

در میان اصطلاحات مشابه با تفسیر شک به نفع متهم باید از اصطلاح تفسیر مضیق یاد کرد. تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم به هیچ عنوان یکسان نیستند. تفسیر مضیق واکنشی در قبال تفسیر موسع و تورم قضایی محسوب می‌شود. اصل بی‌گناهی و قانونی‌بودن جرم و مجازات از مبانی اصلی تفسیر مضیق محسوب می‌شوند. بهتر است بگوییم تفسیر موسع در حقوق کیفری امکان‌پذیر نیست و اصولاً، به‌کاربردن تفسیر مضیق نوعی اشتباه محسوب می‌شود؛ چراکه عدم تفسیر موسع به معنی تفسیر مضیق نیست و تفسیر باید در چارچوب اصول گفته‌شده یعنی اصل برائت و قانونی‌بودن جرم و مجازات باشد. تفسیر شک به نفع متهم در جایی قابلیت اجرا دارد که بین سود متهم و حقوق دفاعی او و نفع اجتماعی یا نظم اجتماعی و منافع دیگر، تردید وجود داشته باشد. به نظر نگارنده، این اصل در جرایم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت البته، می‌تواند متفاوت باشد؛ ولی اگر به شکل اصل پذیرفته شود، قطعاً نباید استثنا پذیرد. مسلماً، منافع اجتماعی و شخصی متعددی از تصویب

چهار ماده تریاک، مرفین، هروئین و کوکائین نام برده، به سایر موارد مذکور در فهرست مواد افیونی و مخدره، از جمله شیره تریاک، خودداری نموده است (رای شماره ۷۰-۱۶/۱۲/۱۳۵۱). (محسنی، ۱۳۷۵: ۵۵۲).

تفسیر در حقوق کیفری تابع اصل مهمی به نام تفسیر محدود یا تفسیر محدودکننده‌ای است که مانع از قیاس و تفسیر موسع می‌شود. این نوع تفسیر موجب می‌شود که نفع متهم مورد نظر قرار گیرد و تفسیر به سود متهم محقق شود (شجاعی، ۱۳۹۳: ۸۹). اثبات دلایل منطقی برای توجیه اصل تفسیر به نفع متهم تنها با توجه به مبانی و اصول دیگر دادرسی عادلانه محقق خواهد شد. این اصول هرچند به صراحت، تفسیر به سود متهم را توجیه و اثبات نمی‌کند، ولی آثار برخی از قواعد مسلم در دادرسی کیفری، اصل مذکور را به شکلی شفاف توضیح می‌دهد و وجود آن را اثبات می‌کند. حقوق بین‌المللی کیفری نیز این نوع تفسیر را براساس اصول حقوق کیفری، مدنظر قرار داده است که این اصول عبارتند از:

۲-۱- تساوی سلاح‌ها مبنایی برای تفسیر شک به نفع متهم
با توجه به اینکه متهم در مقابل دستگاه قضایی یک کشور قرار می‌گیرد و دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم سعی در این موضوع دارد که او را محکوم نموده و نظم اجتماعی را برقرار سازد، به همین دلیل لازم است که این شخص در حمایت قانون و دستگاه قضایی قرار بگیرد و حقوقی برای او در نظر گرفته شود که بتواند از خود دفاع نماید و در نتیجه، در صورتی که بی‌گناه باشد، از حقوق خود دفاع کند. در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، حقوق دفاعی تعریف نشده است.

حقوق بشر آن گونه که در اسناد جهانی و منطق‌های حقوق بشر ذکر شده است و بخشی از حقوق دفاعی متهم را می‌توان در قالب آن گنجانند، محصول و مولود جهان‌بینی مدرن است. از منظر انسان دوران مدرن، انسان دارای کرامت ذاتی است و به موجب این ویژگی به صرف انسان بودن دارای حقوقی غیرقابل سلب است و ویژگی‌هایی از قبیل جنس، رنگ، عقیده، ملیت و ... در بهره‌مندی از آن‌ها دخالتی ندارد. در این دوران، انسان نه تنها شماری حق ماهوی بنیادین و غیرقابل سلب پیدا

نمی‌کند، بلکه به بی‌گناهی و یا تعیین مجازات اخف و مساعد به حال متهم که این موضوع نیز البته، می‌تواند نسبی باشد.

۲- مبانی تفسیر به نفع متهم در حقوق کیفری بین‌المللی

اسناد بین‌المللی حقوق بشری که در سال‌های اخیر و بعد از تحولات جهانی، در این عرصه تدوین شده است و در سطح منطقه‌ای نیز گسترش یافته است، بر حفظ حقوق فردی افراد تأکید می‌کند. حقوق متهم نیز از جمله مواردی است که در این اسناد بین‌المللی تا حدود زیادی مورد توجه بوده و در نتیجه، توانسته است تأثیر فراوانی در نظام‌های حقوق داخلی داشته باشد. در این بخش، به مبانی برای تفسیر به نفع متهم در اسناد بین‌المللی اشاره می‌کنیم و ارتباط آن را با اصل تفسیر به نفع متهم بیان خواهیم کرد.

جهانی شدن منجر به ایجاد معضل مشترک و همگانی برای کل جهان گردیده و سبب انسجام و همگرایی جامعه جهانی برای غلبه بر معضلات خطر (جرم)‌های جهانی شده است؛ زیرا منطبق بر مقتضیات زندگی انسانی وقتی که انسان‌ها با خطر مشترک مواجه می‌گردند تا از بین بردن ریشه‌های آن، اختلافات را کنار گذاشته و مساعی خود را صرف مقابله با خطر مشترک می‌نمایند. در ارتباط با حقوق بشر و بشردوستانه، جهانی شدن منجر به ایجاد معضل و خطر مشترک گردیده و سبب وحدت و هماهنگی میان جهانیان در قالب شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی برای غلبه بر معضلات مشترک جهانی شد (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۷). برای اجتناب از آسیب‌ها و خطرات جهانی شدن، نیاز به یک مکانیسم متناسب در دادرسی کیفری است و قواعد این دادرسی عادلانه در پرتو اصولی مانند تفسیر شک به نفع متهم و حفظ حقوق او در مقابل محاکم کیفری بین‌المللی نهفته است؛ بنابراین، مهم‌ترین مبنا در توجیه اصل تفسیر به نفع متهم، ایجاد نظام دادرسی عادلانه است؛ هرچند که اصل مذکور خود می‌تواند یکی از آثار این کیفیت از دادرسی باشد.

در نظام حقوقی ایران از همان آغاز، وضع و تصویب قوانین و مقررات جزایی و تفسیر و تطبیق آن‌ها با توسل به قیاس ممنوع بوده است. دیوان کشور با طرد توسل به قیاس، از تسری حکم بند ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مندرج در قانون اصلاح منع کشت خشخاش مصوب تیر ماه ۱۳۴۸ که تنها از

۱۷۸۹ فرانسه بهای لازمه به آن داده شده بود، توجه بیشتری مبذول گردد؛ به‌ویژه قضات که به علت مقاومت و یا عدم همکاری با اشغالگران به بند نیروهای متجاوز گرفتار و از نزدیک با زندان و محرومیت از حق دفاع آشنا شده بودند، به این حقیقت ملموس که علاوه بر بزهکاران واقعی، شهروندان بی‌گناه نیز ممکن است در مظان اتهامات ناروا قرار گرفته و به سرنوشت تبهکاران دچار شوند، پی بردند (آرنت، ۱۳۶۳: ۲۴۷).

در قضیه‌ی سالایاکو، دیوان اینگونه اظهارنظر کرده است که «هر سیستم حقوقی در خود امارات موضوعی یا حکمی را پذیرفته است و معاهده اصولاً مانعی برای آن ایجاد نمی‌کند؛ لیکن، در «قلمرو کیفری» دولت‌های طرف قرارداد را ملزم می‌نماید که از محدوده‌های عقلانی که اهمیت دعوا و حفظ حقوق دفاعی را در نظر می‌گیرد، فراتر نروند» (پرادل و خزائی، ۱۳۷۶: ۷۹).

در حقوق اسلامی که منبع اصلی قواعد داخلی کیفری ایران است، اصل برائت دارای دو تأثیر مهم می‌باشد: الف) نشانیدن متهم به جای منکر. ب) بی‌نیازساختن متهم از اثبات بی‌گناهی خویش (فخار طوسی، ۱۳۹۱: ۷۷).

اصل برائت بی‌تردید تفسیری از قوانین کیفری است که به سود متهم است، هرچند ممکن است منتقدانی داشته باشد؛ ولی به شکل ویژه‌ای باید آن را اصلی غیرقابل انکار دانست و از آثار آن باید به قاعده‌ی تفسیر به نفع متهم یاد کرد. در مقررات ماهوی و شکلی کیفری، اصل برائت سبب می‌شود که تردیدها و ابهامات به سود متهم تفسیر شود، چنانکه در رأی دیوان اصرار بر وجود دلایل متقن بر اثبات اتهام دیده می‌شود و پذیرش اتهام نیز این مکانیزم را متوقف نمی‌کند.

۲-۲- اصل قانونی بودن جرم و مجازات

از جمله مهم‌ترین مبانی که در توجیه اصل تفسیر به نفع متهم می‌توان به آن اشاره کرد، موضوع اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که بارها در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است و همچنین، به‌عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم و شاخص‌های دادرسی منصفانه مورد توجه قرار گرفته است و همین مسأله باعث شده است که این اصل را به‌عنوان یکی از مواردی که توجیه اصل تفسیر به نفع متهم است، مورد اشاره قرار دهیم.

می‌کند، بلکه در مقابل هجمه و تعقیب نظام حاکم با ادعای ارتکاب عمل مخل نظم عمومی و واجد وصف کیفری، حقوقی شکلی (رویه‌ای) پیدا می‌کند که از او در مقابل خودسری‌ها و تعرض‌های دلبخواهی مأموران دولت حمایت می‌کند و سبب می‌شود که طی فرایندی روشن و شفاف و با تضمین‌ها و حمایت‌های لازم، اتهام فرد در دادگاهی مستقل و بی‌طرف اثبات شود (فرح بخش، ۱۳۸۵: ۱۱۳). مسلماً، متهم در مقابل دستگاه قضایی از موقعیت برابر برخوردار نیست. اصل تساوی سلاح‌ها بیانگر موقعیتی است که امکان دفاع در تمامی مراحل دادرسی را به شکلی عادلانه برای طرفین ایجاد می‌کند. متهم به دلیل اینکه در مقابل دستگاه قضایی از امکانات کمتری برای دفاع برخوردار است، در نتیجه باید از حقوق بیشتری در دفاع از خود برخوردار باشد تا دادرسی عادلانه محقق گردد. این موضوع سبب می‌شود که بسیاری از معیارهای دادرسی منصفانه و عادلانه مخصوص به متهم باشد و برای او در نظر گرفته شود، مانند فرض بی‌گناهی، حق برخورداری از وکیل و... بحث تفسیر شک به نفع متهم نیز همین موضوع را در نظر گرفته است و در واقع، به دنبال آن است تا بتواند این نوع دادرسی را در نظام قضایی هر کشوری به اجرا گذارد. حقوق دفاعی متهم بسیار متعدد است که موجب می‌شود او بیشترین حاشیه‌ی امنیت را در مقابل محکومیت داشته باشد و همین موضوعات سبب شده است که در تفسیر قوانین جزایی نیز به دنبال تفسیر شک به نفع متهم باشیم.

دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به چهار جرم شدید را دارد که شامل جنایت تجاوز، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی می‌شود. در تمام جرائم ذکرشده، علی‌رغم اینکه این متهمان ناقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه هستند، اما دیوان در جهت حفظ اصل تساوی سلاح‌ها تلاش‌های فراوانی انجام داده است. اصل برائت در کنار تساوی سلاح‌ها، تفاسیر قواعد شکلی و ماهوی را به سود متهمین سوق می‌دهد.

جنگ جهانی دوم و اشغال اروپا توسط آلمان نازی و در بند کردن میهن پرستان و از جمله حقوقدانان و قضات سبب شد که پس از خاتمه جنگ نسبت به اصل برائت که در اعلامیه حقوق بشر

دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ میلادی خط‌مشی خود را در رابطه با گزینشگری پرونده‌ها و اولویت‌بندی آنها منتشر کرد؛ این امر معقولی به نظر می‌رسد که معیار شدت جرم را به‌عنوان مهم‌ترین معیار راهنمای انتخاب پرونده توسط دفتر دادستان به کار برد؛ در حقیقت، مطابق اساسنامه رُم، این یک امر اجباری است. خط‌مشی منتشر شده، جزئیات کافی برای اینکه دفتر دادستان چگونه باید این کار را انجام دهد، فراهم می‌کند؛ با در نظر داشتن گستره جرایم (به‌صورت کمی، با توجه به تعداد قربانیان و به‌صورت کیفی، با عنایت به ماهیت خسارات ایجاد شده، با لحاظ قلمرو جغرافیایی و بُعد زمانی)؛ ماهیت جرایم (بررسی اینکه آیا آنها شامل جرایم شدید همانند نابودسازی جمعی (نسل‌کشی)، نابودسازی، تجاوز و یا دیگر جرائم جنسی و جرایم مبتنی بر جنسیت، جرائم علیه کودکان و شکنجه)؛ شیوه‌ای که جرایم براساس آن‌ها انجام شده (ملاحظه اینکه آیا آنها نظام‌مند بوده‌اند، در نتیجه نقشه یا سیاست به وجود آمده و یا از سوءاستفاده از قدرت و موقعیت دولتی بوده است، ملاحظه عناصر برجسته نظیر ظلم منحصر به فرد و آسیب‌پذیری قربانیان، شامل انگیزه تبعیض‌گذاری یا در نتیجه تخریب محیط‌زیست و اموال حفاظت‌شده)؛ و تأثیر جرایم (شامل افزایش آسیب‌رسانی و دهشت‌افکنی برای قربانیان و آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی تحمیل شده بر جوامع آسیب‌دیده). خط‌مشی دفتر دادستان رهنمود مناسبی در مورد دومین معیار خود برای انتخاب پرونده‌ها را بیان می‌کند: درجه مسئولیت متهمان. در این رابطه، این بخش دقیق‌تر از برداشت پیشین از معیار «بیشترین مسئولیت» است. این امر دفتر دادستان را تشویق می‌کند تا بر روی افرادی که ظاهراً مسئول‌ترین فرد برای جرایم شناسایی شده هستند، تمرکز کند؛ اما همچنین، تعقیب قانونی متهمین با درجه بالا و متوسط و یا حتی مرتکبین در پایین‌ترین سطح که اقدامات آن‌ها پرونده را به سوی مسئول‌ترین فرد سوق دهد را نیز در نظر داشته باشد. (فابریسیو گوریگلیا، ۱۳۹۸: icicl.org)^۱

قاضی حق ندارد به هنگام تفسیر، خودسرانه عمل کند و متون جزایی را با تفسیری موسع - که خصوصیت متون حقوق مدنی است - علیه متهم اعمال کند. لازمه تفسیر موسع متون جزایی، جرم‌انگاری پاره‌ای دیگر از افعال یا ترک افعالی است که خواست صریح مقنن نبوده است. بنابراین، چنانچه در بیان واقعی مقنن مردد بماند، مقتضای اصل تفسیر محدود متون جزایی این است که شک و تردید را به منفع متهم تفسیر کند؛ در غیر اینصورت، جرم‌انگاری را به قضاوت سپرده‌ایم که خلاف اصول حقوق عمومی از جمله تفکیک قوا و خلاف اصول حقوق کیفری است (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۱۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۲ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۶) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۸) به این موضوع اشاره شده و آمده است که «شخص باید مطابق با قانون مجرم شناخته شود» و در منشور آفریقایی حقوق بشر در ماده ۶ آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان از آزادی‌اش محروم کرد، مگر به دلایل و شرایطی که از پیش به موجب قانون مقرر شده است...». بنابراین، اصل قانونی بودن شامل مراحل رسیدگی به جرم نیز خواهد شد. این موضوع علاوه بر پیش‌بینی در قانون است.

ارتباط اصل قانونی بودن جرم و مجازات با تفسیر به نفع متهم در این است که در موارد ابهام و اجمال قانون باید به‌نحوی به قانون استناد کرد که مجازاتی خارج از آنچه برای متهم در نظر گرفته شده است، تعیین نشود.

شاید یکی از مهم‌ترین محاکم کیفری بین‌المللی که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را نقض کرده و به‌طور آشکار در جهت نادیده‌گرفتن اصل تفسیر به نفع متهم گام برداشته است، دادگاه نورنبرگ باشد که با توسل به عرف و عادت بین‌المللی و روح حقوق، از اعمال اصل قانونی بودن شانه خالی کرده است (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

<http://www.icicl.org/details.asp?id=453>

^۱ فابریسیو گوریگلیا Fabrisio Goriglia: مدیر واحد تعقیب دفتر دادسرای دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه بهروز جوانمرد، قابل‌دسترسی در: (۲۱ خرداد ۱۳۹۸).

است در قانون جدید مجازات اسلامی، ماده ۱۲ مکرر نیز به تصویب رسیده است. تصویب این ماده در مسیر کاهش اعمال سلیقه قضایی درخصوص اصل ۱۶۷ قانون اساسی اقدام صحیحی به نظر می‌رسد.

به نظر نگارنده، بعد از اصل برائت، مهم‌ترین مبنا برای موضوع تفسیر به نفع متهم می‌تواند قلمداد گردد. این مبنا شاید دارای آثار دیگری نیز باشد، ولی به نظر می‌رسد که در موضوع تفسیر به نفع متهم جلوه‌ی بیشتری داشته باشد و دربرگیرنده‌ی اصول کیفری دیگری چون تفسیر مضیق نیز باشد که در واقع، مصداقی دیگر از تفسیر به نفع متهم قلمداد می‌شود.

به عقیده برخی، به لحاظ سیاسی، تأکید و توجه به ماهیت جنایات بین‌المللی مبین این است که ارتکاب آن‌ها فقط از جانب سیاستمداران و صاحبان قدرت امکان‌پذیر است؛ بنابراین، کاملاً بدیهی است که حتی چنانچه بنا بر اعمال فشارهای بین‌المللی، امکان جرم‌انگاری جنایات مذکور در قانون داخلی منتفی تلقی نگردد، با توجه به این که مشروعیت قضات، تحت تأثیر و نفوذ مقامات فوق قرار دارد، انتظار حصول نتایج عادلانه و منصفانه از دستگاه قضایی در موارد مقتضی امری دشوار به نظر می‌رسد؛ همچنین به لحاظ اجتماعی، جنایتکاران بین‌المللی با انحراف اذهان عمومی، اعمال جنایتکارانه‌ی خود را امری مشروع جلوه خواهند داد (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). بنابراین، در این مسیر، اعمال تفسیر به سود متهم نمی‌تواند منجر به دادرسی عادلانه و عدالت‌محور باشد و این اصل باید تعدیل شود. البته، نوع جنایات بین‌المللی، مرتکبین، نوع دادگاه و عوامل مختلف دیگری وجود دارد که سبب می‌شود در اعمال و اجرای این اصل تجدیدنظر یا سخت‌گیری صورت گیرد. اعمال اصل تفسیر به سود متهم نمی‌تواند مطلق باشد و لزوماً، باید قلمرو آن مشخص گردد که در بخش بعدی در دو مبحث قلمرو تفسیر به سود متهم در مقررات شکلی و ماهوی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۴- قلمرو تفسیر شک به نفع متهم در حقوق کیفری بین‌المللی

و داخلی

در ابتدای امر، به این مسأله پرداختیم که اصل مذکور در چه مواردی قابل اجرا است و در قوانین ماهوی و شکلی به چه

معیارها و ضوابط جرم‌انگاری مستنبط از اساسنامه دیوان شامل شدت و وخامت جرایم، داشتن خاصیت عرف بین‌المللی، سازمان‌یافته و گسترده‌بودن، مغایرت با منافع کل جامعه بشری، وقوع در زمان‌های بحرانی و غیرمعمول و داشتن انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی، امکان توسعه جرایم تحت صلاحیت دیوان را در آینده و نسبت به اعمال و رفتارهای جدید مغایر وجدان جمعی جهانی فراهم می‌نماید (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۸۷). این معیارها هرچند می‌تواند نوعی قانون‌گذاری در عرصه‌ی بین‌المللی قلمداد شود، ولی به‌طور حتم نمی‌تواند مانع از عملکرد تقنینی محاکم بین‌المللی در جهت نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات باشد و در نتیجه، لازم است که اصولی مانند تفسیر به سود متهم در جریان دادرسی عادلانه وجود داشته باشد تا بتوانیم از قاعده‌ی قانونی بودن جرم حراست کنیم. به عبارت دیگر، این دو اصل مکمل هم بوده و موید یکدیگر می‌باشند.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اصل سی‌وششم قانون اساسی به این صورت آمده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». اصول ۳۲ و ۳۷، ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی نیز به این مسأله اشاره می‌کند.

قوانین جزایی، به خصوص قوانین ماهوی، جز در موارد خاص عطف به ماسبق نمی‌شوند و نیز در صورت لزوم تفسیر قوانین به جهت سکوت، اجمال، ابهام و یا تعارض قوانین، تفسیر باید محدود به متن قانونی معین باشد و به‌صورت مضیق تفسیر شوند (معمد، ۱۳۵۱: ۱۶۸). در حال حاضر، با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مواد ۲، ۱۲ و ۱۳ به این اصل اختصاص یافته‌اند.

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب و ماده‌ی ۱۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که بیان می‌کند: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد». تفاوتی که با اصل ۳۶ دارد، این است که در قانون جدید، علاوه بر «مجازات»، حکم به «اقدامات تأمینی و تربیتی» نیز باید به موجب قانون بوده و علاوه بر آن باید با رعایت شرایط و کیفیات مقرر قانونی صورت پذیرد (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲: ۲۵). لازم به ذکر

دادگاه‌های نظامی ملی را برای جرم‌دانستن اعمال و مجازات متهمین کافی می‌دانست (Green Wood, 2008: 50).

طبق ماده ۱۶ منشور دادگاه بین‌المللی توکیو ۱۹۴۶، دادگاه در تعیین مجازات اعدام یا هر نوع مجازات دیگری که عادلانه بداند، مختار است. قاضی رولینگ، عطف به ماسبق در باب جنایات ضد صلح را بی‌اشکال دانست (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۶۸). هر گونه تفسیر موسع قوانین کیفری به زیان متهم است، چراکه دامنه‌ی جرم افزایش می‌یابد و در نتیجه، میزان مجازات نیز رو به افزایش خواهد بود.

اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی نیز بجز اصل برائت (بند ۳ ماده ۲۱)، دادگاه را ملزم به تفسیر مضیق و به نفع متهم، عدم عطف به ماسبق قواعد کیفری و منع قیاس در امور کیفری نمی‌کند. بیان تمثیلی تخلف از قوانین و عرف‌های جنگ در اساسنامه، زمینه‌توسل به قیاس را فراهم کرده است (ماده ۳ اساسنامه)؛ به‌عنوان مثال، شعبه‌ی پژوهشی این دیوان در قضیه‌ی تادیج اعلام کرد که قواعد عرفی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ناظر بر منازعات مسلحانه‌ی داخلی نیز هست. همچنین، این نقض‌ها از لحاظ قوانین داخلی کشورهای یوگسلاوی سابق و بوسنی نیز جرم‌انگاری شده بود. این نتیجه‌گیری در حالی بوده است که در اساسنامه‌ی دادگاه در مواد ۱، ۶، ۷، ۹، ۲۱ به صراحت استفاده از سایر منابع حقوق بین‌المللی بیان نشده است. این نحوه‌ی عملکرد را نمی‌توان توسعه در جرم‌انگاری با توسل به شیوه‌ی عرفی دانست، چراکه در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد درخصوص تأسیس این دادگاه تصریح شد که ماده ۳ این اساسنامه، تنها در مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی قابلیت اعمال دارد. در اساسنامه‌ی دیوان ماده ۵ با بیان قید سایر اعمال انسانی، در باب جنایت علیه بشریت زمینه‌ی قیاس را فراهم کرده است و تفسیر به نفع متهم را نادیده گرفته است. همین نقص باعث شد که دادگاه در پرونده‌ی کرسٹیج به تعریف نابودسازی به‌عنوان مصداق جنایت علیه بشریت بپردازد (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

اساسنامه‌ی دادگاه سیرالئون پس از جرم‌انگاری جنایات علیه بشریت، هشت مورد را به‌عنوان مصداق ذکر کرده است و در بند نهم از عبارت سایر اعمال غیرانسانی یاد می‌کند. این ابهام

صورتی اجرا می‌شود. در مقررات ماهوی، اصل بر تفسیر به نفع متهم است یا در مقررات شکلی. به هر حال، در هر دو دسته از قوانین در نظام حقوقی بین‌المللی قواعدی دیده می‌شود که بر اصل مذکور صحنه می‌گذارد؛ ولی نباید فراموش کرد که این مقررات مطلق نیستند و نمی‌توانیم بگوییم که آن‌ها را در تمامی موقعیت‌ها می‌توان قابل اجرا دانست، بلکه قلمرو این اصل نیز محدود است.

در حقوق داخلی، عواملی چون ویژگی‌های متهم مانند سابقه داربودن و تعدد جرم، توجه به قربانی جرم در جرایم جنسی و حساسیت نسبت به جرایم امنیتی موجب شده است که برخی قضات معتقد به رعایت تفسیر به نفع در طول دادرسی باشند و برخی معتقدند عواملی چون هیجان عمومی ناشی از ارتکاب جرم، حساسیت نسبت به جرایم امنیتی و یا توجه به ویژگی‌های متهم و یا قربانی جرم ممکن است رعایت تفسیر به نفع متهم را محدود کند (کاظم زاده، ۱۳۹۵: ۱). عوام‌گرایی کیفری و نقش و دخالت افکار عمومی در محاکمات برخی از شخصیت‌ها و برخی از اتفاقات که موجب جریحه‌دارشدن احساسات عمومی شده است، سبب شده است که برخی از دادرسان، اصل تفسیر به سود متهم را حتی در محاکم بین‌المللی نیز محدود نمایند.

در کنار بررسی آرای کیفری و دکترین درخصوص قلمرو تفسیر به سود متهم، اساسنامه‌ی محاکم کیفری بین‌المللی که به‌صورت ویژه و یا عام تشکیل شده‌اند، می‌تواند بیانگر دیدگاه موسسان این محاکم درخصوص اصل مذکور باشد. به نظر می‌رسد که محاکم خاص و برخی از محاکم انتقالی به دلیل شرایط خاص حاکم بر آن‌ها که توسط فاتحین تشکیل شده‌اند، در قیاس با محاکم عام، اصل مذکور را کمتر مورد پذیرش قرار داده باشند.

دادگاه نورنبرگ از قیاس و تفسیر موسع در محاکمه‌ی جنایتکاران جنگی در جنگ دوم جهانی بهره برد و با ارائه‌ی اینگونه تفسیر استدلال کرد که: صرف اقتضای وجدان عمومی جامعه بین‌المللی، البته در معنای مقصود دادگاه، و وجود معاهدات دال بر نهمی، هرچند بدون تصریح به جرم‌انگاری و داشتن ضمانت اجرای کیفری، نفرت‌انگیزبودن اعمال ارتكابی، قیاس، روح حقوق، عرف و عادت، عقاید علمای حقوق و رویه‌ی

است که قلمرو این اصل گسترش یابد و نسبت به محاکم سابق مانند دادگاه نورنبرگ، شاهد گسترش این اصول باشیم.

۴-۱- تزییقات وارد بر اصل تفسیر شک به نفع متهم در مقررات ماهوی

اهمیت جرم ارتكابی در محاکمه‌ی متهم بسیار مؤثر است؛ می‌توان با تفسیر جرایم به جرایم با اهمیت و کم‌اهمیت اقدام به حفظ حقوق متهم کرد. ماده ۱۱۳-۸ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ نمونه‌ای از قوانین ماهوی است که اعمال صلاحیت شخصی فعال را تنها در جرایم با اهمیت اعمال می‌کند و همچنین، دادگاه‌های انگلستان اعمال اصل صلاحیت شخصی فعال را که به زیان متهم است، محدود به جرایم خیانت، قتل عمد و تعدد زوجات نموده‌اند (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۸۵).

قلمرو تفسیر به نفع متهم در قالب اصول دادرسی منصفانه قابل تعیین است؛ در حقیقت، هر نوع تفسیری که بتواند حقوق دفاعی متهم را تضمین نماید، جایز است و این تفسیر در واقع، باید به سود متهم باشد (پرادل و خزائی، ۱۳۷۶: ۸۱).

دادستان اول دیوان در سال ۲۰۰۷ میلادی، اقدام به ارزیابی مقدماتی نسبت به قضیه افغانستان نمود تا بررسی کند آیا مبنای معقولی برای باورمندی به اینکه شرایط لازم برای انجام تحقیقات نسبت به یک قضیه وجود دارد یا خیر. بعد از ۱۰ سال، خانم بن سودا نسبت به آغاز تحقیقات کامل راجع به جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت واقع شده در قلمروی افغانستان و همچنین، جرایم واقع شده مرتبط با مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی جاری در افغانستان که در خارج از قلمروی سرزمینی افغانستان و در قلمروی برخی کشورهای اروپائی عضو دیوان مانند رومانی واقع شده است، مجوز لازم را صادر نمود. شعبه پیش دادرسی در سال ۲۰۱۹ میلادی، بعد از مدت‌ها انتظار با صدور رأی، درخواست دادستان را رد نمود. دادرسان شعبه پیش دادرسی در رأی خود برای نخستین بار در تاریخ دیوان اعلام داشتند که تحقیقات احتمالی دادستان به «نفع عدالت» نخواهد بود و مقتضای عدالت عدم تداوم تحقیقات است. اساسنامه رم، در فرایند ارزیابی مقدماتی علاوه بر معیار صلاحیت، دو معیار دیگر نیز می‌بایست از سوی دادستان مورد

زمینه‌ی ایجاد تشتت و تمسک به قیاس را فراهم کرده است. در جریان محاکمات نیز همین اتفاق رخ داد و در موردی، ازدواج اجباری را به‌عنوان سایر اعمال غیرانسانی قلمداد کردند که شعبه‌ی دیگر بدوی آن را با عنوان بردگی جنسی اعلام نمود.

بند ۲ ماده ۲۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعریف جرم را براساس اصل تفسیر مضیق و توسل پذیرفته و توسل به قیاس را منع کرده است. اساسنامه نسبت به محاکم قبل از خود قدرت قضات را محدود کرده است. باوجود اینکه در سند عناصر اختصاصی جرایم بر تفسیر مضیق تأکید شده است، ولی در باب جنایت علیه بشریت با به‌کاربردن عبارت مبهم و فاقد صراحت «اعمال غیرانسانی دیگر»، زمینه‌ی نقض اصل تفسیر به مضیق و اعمال قیاس فراهم شده است (Schabas, 2010: 409). بررسی اساسنامه‌ی محاکم بین‌المللی این نتیجه را به دست می‌دهد که قلمرو اصل تفسیر به نفع متهم اصولاً نمی‌تواند مطلق و بی‌قیدوشرط باشد و سعی شده است تفاسیر برعهده‌ی قضات گذاشته شود. این تفاسیر در حقیقت، به دلیل ابهام در قواعد کیفری بین‌المللی، تغییر وضعیت‌های مختلف در محاکمات، شرایط خاص متهمان و اموری از این قبیل پیش-بینی شده است.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، محاکم نسل سوم با عنوان محاکم مختلط یا بین‌المللی شده ایجاد شدند (Nouwen, 2006: 190). در یکی از این محاکم مختلط که به جهت جنایات واقع شده در تیمور شرقی تشکیل شد، به استدلال قابل‌توجهی از سوی این دیوان درخصوص تفسیر شک به نفع متهم می‌توان استناد کرد؛ در پرونده‌ی انا و سایرین، دادگاه بیان کرد که ضرورتی ندارد متهم درخصوص واقعه‌ای که خودش یا شریک جرم به آن متهم شده‌اند، شهادت دهد. دادگاه در توجیه این نظر عنوان داشت که: «حفظ حقوق متهم بر قرارگرفتن در جای‌گاه شاهد ارجحیت دارد...» (معظمی و نمایان، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

به نظر می‌رسد که رویه‌ی ثابتی درخصوص اصل تفسیر به نفع متهم در اساسنامه‌ی محاکم کیفری بین‌المللی وجود نداشته باشد، هرچند کاملاً مشخص است که در سیر تحولی و تکوینی این محاکم، توجه به اصول دادرسی منصفانه و نیز توجه به بسیاری از معایب عدول از تفسیر به نفع متهم، موجب شده

شرایط سلبی در تحقق جرایم جنسی، عنصر «رضایت» است. فقدان رضایت بزده‌دیده از عناصر متشکله جرایم جنسی می‌باشد (ذاکر حسین، ۱۳۹۳: icicl.org).^۳

به نظر می‌رسد که دیوان کیفری بین‌المللی در اساسنامه‌ی خود و حتی در رویه‌هایی که مشاهده شده است، در جرایم جنسی حداقل به شکل مشهود، اصل تفسیر شک به سود متهم را به دلایل مختلف مدنظر نداشته است؛ چنانکه یکی از عناوین اختلافی روییده بر دامنه مفهوم جرایم جنسی، «ازدواج اجباری» می‌باشد که در «دادگاه ویژه سیرالئون» به صورت گسترده مورد توجه واقع شده و پرونده‌های پرشماری در اطراف آن مورد رسیدگی واقع شده است، این در حالی است که اساسنامه رم این عنوان را به مثابه یک عنوان مجرمانه مستقل مورد شناسایی و رسمیت قرار نداده است.

در بند ۱ از ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی گفته شده است که در مواردی که قانون لاحق وصف مجرمانه را از عملی برداشته باشد، قانون عطف به ماسبق می‌شود و این یعنی تفسیر به نفع متهم در یک قانون ماهوی. با این حال، باید توجه کرد که این مقرره چندان هم منطبق با اصول و اهداف حقوق کیفری از وضع مجازات نیست؛ چراکه یکی از اهداف این است که مجرمین با حالت خطرناک که نظم عمومی را مختل می‌کنند.

در این موضوع، اساتید حقوق کیفری به دفاع از اصل تفسیر به نفع متهم پرداخته‌اند؛ بدون اینکه به حالت خطرناک توجهی داشته باشند. نظر اساتید این است که از طرفی، تفسیر به نفع متهم و از سوی، انتقاد به اینکه قانون جدید با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی حتماً، دقیق‌تر و کامل‌تر از قانون سابق خواهد بود؛ پس، اجمال این ماده هیچگونه ایرادی ندارد. مضافاً بر آن، عادلانه و عاقلانه نیست قبول کنیم فردی بعلت فعلی که در حال حاضر، سایر افراد فارغ از هرگونه تعقیب کیفری آن را انجام می‌دهند، مورد مجازات قرار گیرد؛ قانون عطف به ماسبق نمی‌شود، اما امکان دارد قانون جدید مساعد به حال مرتکب جرم باشد و نفع متهم و تفسیر در جهت این

بررسی و احراز واقع شود: اول، معیار قابلیت پذیرش است که خود از دو مؤلفه شدت‌مندی و صلاحیت تکمیلی تشکیل شده است و دیگری، شرط مقتضی عدالت است. قضیه افغانستان نخستین موردی بود که دیوان به شرط و معیار مقتضی عدالت استناد کرده بود. بنا بر نص اساسنامه رم در ارزیابی مقتضی عدالت لازم است که دو معیار شدت جرم و نفع قربانیان در نظر گرفته شود.^۱

تفسیر به نفع متهم در جرایم مختلف و در محاکم مختلف بین‌المللی دارای قلمرو متفاوتی است. به عبارت دیگر، رویه یکسانی نمی‌توان در دادرسی کیفری بین‌المللی سراغ گرفت و اصولی متقن نمی‌توان استنباط نمود؛ به عنوان مثال، جرایم جنسی که در حقوق کیفری ایران نیز بسیار مورد توجه قانون گذار بر مبنای اصول شریعت اسلامی بوده است و به نوعی موسع و مفصل جرم‌انگاری شده است، در اساسنامه‌ی رم نیز مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که این رویه توسیع جرم و امکان اعمال تفاسیر به زیان متهمین فراهم شده است.

پنجم ژوئن سال ۲۰۱۴ «سند خطامشی راجع به جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت»^۲ از سوی دادستانی دیوان منتشر شد. تجاوز، روسپیگری اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، بردگی جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی از مصادیق جرایم جنسی است که توسط اساسنامه رم در قالب «جرایم علیه بشریت» و «جرایم جنگی» موضوع مواد هفت و هشت اساسنامه رم جرم‌انگاری شده است. ارتکاب این جرایم هم جنسی در اساسنامه رم موسع بوده است. ارتکاب این جرایم هم در بستر و زمینه منازعات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در قالب جرایم جنسی و هم در زمان صلح در قالب جرایم علیه بشریت جرم‌انگاری شده است. یکی از تفسیرهای مهم ارائه‌شده از سوی دادستانی دیوان در سند اخیر آن است که جرایم جنسی اگر همراه با سوءنیت خاص «نابودسازی» کلی یا جزئی یک گروه با هویت خاص ملی، مذهبی، قومی یا نژادی باشد، می‌تواند رفتار تشکیل‌دهنده «جرم نسل‌کشی» باشد. یکی از

^۳ - <http://www.icicl.org/details.asp?id=11>

^۱ - <https://www.icc-cpi.int/afghanistan>

^۲ - Policy Paper on the Sexual and Gender-Based Crimes, 2014

نفع اقتضاء می‌کند که قانون برگزیده بار شود (نوربها، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

اگرچه عدالت حقوقی اقتضاء می‌نماید که در صورت عدم وجود دلیل، تفسیر به نفع متهم باشد و حکم برائت حاصل شود، اما در موارد خاصی مصالح عمومی ایجاب می‌کند که اماره مجرمیت بر اصل مذکور مقدم گردد. در این صورت، روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق، اصل تفسیر به نفع متهم نسبت به متهم زایل می‌گردد.

دو دسته از جرایم هستند که به نظر می‌رسد اصل تفسیر به نفع متهم باید در آن‌ها تعدیل شود و به صورت محدود اعمال گردد:

الف. حوزه جرایم علیه امنیت

به سبب اهمیت امنیت داخلی و خارجی کشورها، معمولاً در صورت وجود ظن قوی به ارتکاب جرم از سوی متهم در جرایم علیه امنیت، اصل برائت نادیده گرفته می‌شود.

در ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی می‌خوانیم: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد؛ مگر این که ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» اصل بر آن است که متهم از اهداف جمعیت یا دسته اطلاع داشته و اثبات خلاف آن برعهده متهم است و این موضوع در واقع، استثنایی بر اصل تفسیر به نفع متهم است که در حقیقت، اصل را بر بی‌اطلاعی متهم قرار می‌داد. حال اینکه این ماده چه اندازه با اصول دادرسی عادلانه منطبق است و چگونه می‌توان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، خود بحث مفصلی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

ب. ثروت‌های مشکوک

بر اساس مواد ۴ و ۵ و بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، تمام اموال قاچاقچیان مواد مخدر به جز هزینه تأمین زندگی متعارف مصادره خواهد شد. در این جا، اماره مجرمیت به‌طور مطلق و به‌صورت اماره‌ای غیرقابل‌رد، حاکم می‌باشد (سرمدست بناب، ۱۳۸۷: ۱۸۱). در این ماده، استثنایی بر اینکه ممکن است این اموال از مجرای به غیر از قاچاق مواد مخدر

به دست آمده باشد، دیده نمی‌شود و تفسیری به نفع متهم صورت نگرفته است.

یکی از مهم‌ترین جرایمی که عمدتاً، به دلیل حضور و دخالت اشخاص بانفوذ و به اصطلاح یقه سفید، می‌توان از استثنائات اعمال اصل تفسیر شک به نفع متهم از آن یاد کرد، جرایم اقتصادی است. جرایم اقتصادی، جرایمی تلقی شده‌اند که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است؛ اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۲). جرایم اقتصادی عمدتاً جرایمی با دامنه وسیع پیچیده بوده و اغلب مرتکبان آن در موقعیتی قرار دارند که سد راه تحقیقات شده و ادله را تخریب یا پنهان می‌کنند. فساد شایع ناشی از جرایم اقتصادی، نهادهای تحقیق و تعقیب را در زمینه گردآوری ادله و اثبات اعتبار آن، تضعیف می‌کند. اصل برائت به حمایت از متهمانی که در موقعیتی برتر در مقابل دادستان قرار داشته و نیاز به حمایت ندارند، می‌پردازد و کفه ترازوی عدالت را به نفع متهمان به جرایم اقتصادی بالا برده و به عبارت روشن‌تر، اصل تساوی سلاح‌ها را به ضرر دادستان نقض می‌نماید (شریفی و شیدائیان، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون میردا و پالرمو، به کشورهای عضو پیشنهاد نموده‌اند که در پاره‌ای جرایم خاص بخصوص در شکل سازمان‌یافته آن مانند پولشویی و قاچاق مواد مخدر که وجود قوانین و شواهد، ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌نماید و نیز در مواردی که حفظ مصالح عالییه ایجاب می‌نماید، اقدام به محدودسازی قلمرو اعمال اصل برائت یا تقدم فرض مجرمیت بر این اصل نمایند (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). کنوانسیون‌های پالرمو و میردا دولت‌های عضو را ملزم نموده‌اند که در قوانین داخلی خود، روش‌های ویژه تحقیق جهت کشف جرایم سازمان‌یافته و متضمن فساد مالی که مصداق بارز آن جرایم اقتصادی است، از قبیل نظارت الکترونیکی یا سایر اشکال مراقبت و عملیات مخفی را پیش-بینی نمایند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، در محاکمات داخلی و بین‌المللی رویه‌ی ثابتی در خصوص تفسیر به نفع متهم دیده نمی‌شود. این

محاکمه، تخفیف و تعلیق و تأخیر در مجازات محکومیت آن‌هاست.»
(Aukerman, 2002: 4)

هرچند اصل رفتار منصفانه ایجاب می‌کند که حقوق مشخصی به مثابه آنچه متهمان بر پایه‌ی اصل دادرسی عادلانه از آن بهره‌مندند، برای بزه‌دیدگان نیز فراهم شود، نباید فراموش کرد که به رسمیت‌شناختن این حقوق نباید منجر به نادیده‌انگاشتن و پایمال کردن حقوق متهمان شود (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۷۹). به نظر می‌رسد که محدوده‌ی اعمال اصل تفسیر شک به نفع متهم در جرایم در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و به‌طور کلی، جرایمی که صلاحیت جهانی برای رسیدگی به آن‌ها پذیرفته شده است، باید تابعی از رعایت حقوق بزه‌دیدگان باشد؛ حل این تعارض و از بین بردن این تضاد تا حدود زیادی وابسته به عملکرد محاکم داخلی و بین‌المللی رسیدگی‌کننده است که می‌تواند از رویه‌ی قضایی یا برخی از اصول حقوق کیفری نشأت گرفته شده باشد.

۴-۲- تزییقات وارد بر اصل تفسیر شک به نفع متهم در مقررات شکلی بین‌المللی

مقررات شکلی کیفری و به عبارت دیگر، آیین دادرسی کیفری داخلی و بین‌المللی، تضمین‌کننده‌ی اصول دادرسی عادلانه است. قلمرو تفسیر به سود متهم در این قواعد، نسبت به قواعد ماهوی با توجه به اصولی چون برائت، حق آزادی متهم، تحمیل بار اثبات ارتکاب جرم بر دوش بزه‌دیده یا شاکی و... با موانع کمتری نسبت به قواعد ماهوی روبه‌رو است.

قواعد شکلی دادرسی بر پایه‌ی پاسداری از حق استوار شده‌اند؛ اصل ترازش حق ایجاب می‌کند که آیین دادرسی جنایی از حق هر سه طرف دعوی جنایی (متهم، بزه‌دیده و جامعه) پاسداری می‌کند و حق هیچ یک نباید معطل گذاشته شود. قاعده‌ی تفسیر به سود متهم جای خود را به قاعده‌ی تفسیر به سود خواهد داد که با عنوان تفسیر سود بنیاد نیز شناخته می‌شود. در صورتی که امکان تفسیر به سود هر سه عنصر جرم یعنی متهم، بزه‌دیده و جامعه وجود داشته باشد، اصل فرض بی‌گناهی بر دیگر تضمین‌های دادرسی عادلانه برتری دارد؛ اما اگر خلاف فرض بی‌گناهی اثبات شود، سنجش و ترازش می‌تواند بسته به

رویه می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف حقوقی و غیرحقوقی قرار بگیرد؛ نوع جرم، مرتکبین یا متهمین جرایم، شدت جرایم و قربانیان جرم از مهم‌ترین عواملی حقوقی است که در تعیین قلمرو اصل تفسیر به نفع متهم مؤثر است. عوام‌گرایی کیفری، تصمیمات سیاسی کشورهای بزرگ و... از مهم‌ترین عواملی هستند که در آرای مختلف محاکم کیفری مؤثر بوده و در جهت اعمال یا عدم اجرای اصل تفسیر به نفع متهم اجرا شده است. بنابراین، اصل تفسیر به نفع متهم در محاکمات کیفری بین‌المللی و داخلی، اصلی به رسمیت‌یافته و معمول نیست و تنها ابزاری است برای توجیه برخی آرای کیفری مبتنی بر برائت و کاهش مجازات‌ها؛ هرچند که در تئوری و در متن بیشتر مجموعه مقررات می‌توان این اصل را استنباط نمود.

در کنار متهمین، بزه‌دیدگان مهم‌ترین گروهی هستند که ممکن است اعمال اصل تفسیر به سود متهم، به زیان آن‌ها باشد؛ ایجاد تعادل بین حقوق این دو دسته در یک محکمه‌ی کیفری همیشه از چالش‌های اصلی بوده است، ولی به نظر می‌رسد که با لحاظ برخی از قواعد کیفری بتوان این دو را جمع کرد.

سازمان ملل متحد بزه‌دیدگان را اینگونه تعریف می‌کند: بزه دیدگان کسانی هستند که به‌طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند. این خسارت به ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و واردشدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد می‌باشد» (عزیزی، و سایرین، ۱۳۸۷: ۹۶). حقوق بزه‌دیده در محاکم کیفری بین‌المللی عبارتند از حق امنیت، آگاهی از سیستم عدالت کیفری، بهره‌مندی از معاضدت نماینده‌ی قانونی، حق مشارکت در دادرسی که تمامی این حقوق به شرط احراز صلاحیت قربانی محقق خواهد شد (خداخواه، ۱۳۹۷: ۱۵۷). در این خصوص باید قائل به گسترش قلمرو تفسیر به نفع متهم نسبت به مسأله‌ی حفظ حقوق قربانیان جرم شد. این نظر به حد افراط پذیرفته شده و اینگونه اظهار نظر شده است که: «دبیاچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بیان می‌دارد که کشورهای عضو این اساسنامه، به پایان دادن مصونیت مرتکبین جنایات و فرار آن‌ها از مجازات و پیش‌گیری از ارتکاب جنایات بین‌المللی مصمم هستند. اساسنامه حافظ و تضمین‌کننده حقوق متهمان جنایتکار و راه‌های گوناگون فرار آنها از

مورد به سود متهم، بزه دیده یا جامعه یا هر سه باشد (شجاعی، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۳).

شعبه تجدیدنظر «دادگاه ویژه لبنان» امکان محاکمه «اشخاص حقوقی» را بر مسند قبول نشانده؛ قاضی شعبه دادرسی علی رغم مسکوت بودن مسأله مسؤلیت اشخاص حقوقی در اساسنامه دادگاه لبنان، با استناد به عدم ممنوعیت توجه مسؤلیت به اشخاص حقوقی در رویه بین‌المللی، حکم به قابلیت استماع دعوا علیه اشخاص حقوقی داده بود که با شکایت وکلای متهمین مواجه شد. رأی شعبه تجدیدنظر البته همراه با رأی مخالف قاضی «ولید اکوم» بود. وی معتقد بود در تفسیر قانون می‌بایست تفسیری که به نفع متهم است، اتخاذ شود.^۱

در قضیه «عراق/بریتانیا» دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی اعلام داشت که قصد ادامه تحقیقات نسبت به جرایم جنگی ارتکاب یافته از سوی نیروهای ارتش بریتانیا در کشور عراق را ندارد. دادستانی دیوان در پرتو اصل صلاحیت تکمیلی اعلام داشت که هرچند در ابتدا، اقدامات تحقیقی در بریتانیا ناکافی و غیراصیل بوده است، اما به تدریج بریتانیا دست به اقدامات تحقیقی واقعی درباره ادعاهای مطرح شده علیه نیروهای ارتش خود زده است. هرچند این اقدامات منجر به تشکیل پرونده‌ی کیفری نشده است، ولی دادستان دیوان احراز کرد که دولت بریتانیا مکانیسم‌های کافی برای انجام تحقیق تأسیس کرده است و سرمایه‌گذاری مناسبی در تجهیز این مکانیسم‌ها برای حقیقت‌یابی انجام داده است.^۲

برخی از اصول و مفاهیم در ادبیات حقوق کیفری بین‌المللی نیز تأکید بر اصل تفسیر به نفع متهم و به‌طور کلی، حفظ حقوق متهمان دارند. یکی از این مفاهیم که دربرگیرنده‌ی بسیاری از اصول شکلی در دادرسی کیفری بین‌المللی نیز می‌باشد، مفهوم عدالت انتقالی^۳ است که می‌تواند به دو روش مختلف تفسیر شود: در یک تفسیر، عدالت انتقالی همان عدالت عادی است که در شرایط ویژه اعمال می‌شود. در تفسیر دیگر اینگونه مطرح شده است: عدالت انتقالی چیزی فراتر از عدالت نرمال است؛

عدالت نرمال، مجموعه‌ی کاملی از حمایت‌های آیین دادرسی متهم‌مدار را در خود جای داده است. تضمین‌هایی مانند حق داشتن وکیل، حق سکوت و حق رویارویی با شاهدان، سازنده‌ی مفهوم محاکمه‌ی عادلانه هستند و بدون این حمایت‌های حقوقی، بی‌طرفی سیستم عدالت کیفری مخدوش می‌شود. با این وجود، حمایت‌های شکلی مزبور، پس از تجربه‌ی خشونت‌های اجتماعی مفرط، بیش از حد سنگین و یا حتی بیجا تلقی شده و به حالت تعلیق درمی‌آیند؛ به‌عنوان مثال، کارگزاران عدالت کیفری در رواندا، نخست برای انجام یک محاکمه‌ی عادی تلاش کردند؛ اما این تلاش پس از زندانی شدن ده‌ها تن از هزاران متهم دستگیر شده به سرعت رها شد. کارگزاران عدالت کیفری، منابع انسانی و مالی مورد نیاز برای انجام یک دادرسی عادلانه را در اختیار نداشتند. در نتیجه، دادگاه‌های محلی گاچاچا^۴ زمام امور را به دست گرفته و بسیار پایین‌تر از استانداردهای سنتی دادرسی کیفری عمل کردند (دیرباز، ۱۳۹۴: icicl.org^۵).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مقررات شکلی محاکم کیفری بین‌المللی مربوط به صلاحیت این محاکم برای رسیدگی به جرایم است.

دادستان «دیوان کیفری بین‌المللی»، خانم فاتو بنسودا، در هشتم آوریل ۲۰۱۵ میلادی، با انتشار بیانیه‌ای، موضع خود را نسبت به وضعیت گروه «داعش» و صلاحیت رسیدگی به این موضوع را نزد دیوان اینگونه بیان داشتند: ۱. رفتارهای صورت گرفته از سوی داعش مصداق جرایم داخل در صلاحیت دیوان یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و حتی نسل‌کشی می‌باشد. بنابراین، «صلاحیت موضوعی» دیوان نسبت به وضعیت داعش محقق است. ۲. دولت‌های عراق و سوریه عضو دیوان نمی‌باشند، بنابراین دیوان نمی‌تواند با استناد به «صلاحیت سرزمینی» نسبت به جرایم ارتکاب یافته در قلمروی سرزمینی این دو دولت اعمال صلاحیت نماید. ۳. «صلاحیت شخصی» صلاحیت جایگزین می‌باشد که می‌تواند مجرای مداخله دیوان واقع گردد. مانع اعمال صلاحیت شخصی دیوان، نه منع قانونی،

^۴ - Gacaca

^۵ - <http://www.icicl.org/details.asp?id=331>

^۱ - <http://www.icicl.org/details.asp?id=104>

^۲ - <https://www.icc-cpi.int/iraq>

^۳ - Transitional Justice

ولی قلمرو آن تا حدود زیادی با موانعی چون حقوق زیان‌دیدگان برخورد می‌نماید. در جرایم مختلف به جهت اینکه موانع این اصل نیز متفاوت خواهد بود، اعمال تفسیر به سود متهم نیز متفاوت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تحقق دادرسی عادلانه رسالت اصلی در نظام‌های حقوقی کیفری است؛ ایجاد نظم اجتماعی، پاسبانی از حقوق شهروندان (متهمان، بزه‌دیدگان و ثالث) را می‌توان اهداف فرعی دانست. مسلماً، بهره‌مندی از اصول متقن و بی‌شائبه در هر نظام کیفری می‌تواند در رسیدن به این اهداف مؤثر باشد. اصل تفسیر به سود متهم، تضمین‌کننده‌ی اصل برائت یا فرض بی‌گناهی، قانونی‌بودن جرم و مجازات یا قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان و نیز منشاگرفته از این اصول است. ارتباط دوسویه این اصول در نظام داخلی و بین‌المللی کیفری کاملاً مشخص و البته، ضروری است. در وجود و اثبات اصل تفسیر به سود متهم در حقوق ایران و نظام کیفری بین‌المللی نمی‌توان تردید کرد. و تنها تعیین و مشخص کردن جایگاه این اصل و قلمرو این اصل به‌عنوان چالش دادرسی کیفری شناخته می‌شود.

در مقرات ماهوی که تعیین جرم و مجازات را در پی دارد، می‌توان به این موضوعات به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده‌ی قلمرو تفسیر به سود متهم اشاره کرد: اصل برائت و قانونی‌بودن جرم و مجازات، هر گونه تفسیر به زیان متهم را نفی می‌کند. تأمین حقوق زیان‌دیدگان و ایجاد نظم اجتماعی یا به عبارت دیگر، تأمین حقوق جامعه‌ی جهانی هم از دیگر موانع برای گسترش قلمرو تفسیر به سود متهم خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران از همان آغاز، وضع و تصویب قوانین و مقررات جزایی و تفسیر و تطبیق آن‌ها با توسل به قیاس ممنوع بوده است. تفسیر در حقوق کیفری تابع اصل مهمی به نام تفسیر محدود یا تفسیر محدودکننده‌ای است که مانع از قیاس و تفسیر موسع می‌شود. اصل برائت بی‌تردید به سود متهم است، هرچند ممکن است منتقدانی داشته باشد، ولی به شکل ویژه‌ای باید آن را اصلی غیرقابل‌انکار دانست و از آثار آن باید

بلکه «خطامشی» دادستانی دیوان است. خانم بنسودا با اشاره به آنکه خطامشی دادستانی دیوان، تمرکز بر سران و رهبرانی است که دارای بیشترین مسؤولیت می‌باشند، اعلام نمود که بنا بر اطلاعات دریافت‌شده، سران گروه داعش، عراقی هستند و بنابراین، فاقد تابعیت دولت‌های عضو دیوان (ذاکر حسین، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳).^(۱)

رعایت حقوق بزه‌دیدگان مانند جبران زیان و یا اعطای حق مشارکت به آنان در دادرسی کیفری از نظر برخی از نویسندگان موجب می‌شود که دادرسی عادلانه و حقوق متهم تحت تأثیر قرار بگیرد (Wemmers, 2006: 15). به نظر می‌رسد که در اعمال حقوق بزه‌دیدگان نیز باید در نظر داشت که مطابق قواعد دادرسی کیفری بین‌المللی باید تفسیر به سود متهم باشد و دادرسی عادلانه خدشه‌دار نشود.

در حقوق داخلی، به یک نمونه از آرای وحدت رویه که بر مبنای تفسیر به نفع متهم صادر شده است، اشاره می‌کنیم: مطابق رأی شماره ۷۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ دیوان عالی کشور، تفسیر به نفع متهم می‌تواند در اعمال و اجرای برخی از مقررات دادرسی کیفری مؤثر باشد. در این رأی استدلال شده است که: «به استناد اصول کلی دادرسی و دکتترین حقوقی در مقررات شکلی کیفری برخلاف مقررات ماهوی، استفاده از تفسیر موسع در راستای تسهیل فرایند دادرسی و رعایت انصاف قضایی و نفع متهم، بلامانع است...».

از جمله نکات مثبت در رویه محاکم کیفری بین‌المللی، تفکیک حقوق مظنون از متهم است که متأسفانه، این مهم از نگاه مقنن داخلی پنهان مانده و نه تنها به آن توجهی نشده، بلکه فرد طبق قانون داخلی در مرحله تعقیب متهم در نظر گرفته شده؛ اگرچه از واژگانی چون تحت نظر و تحت نظرگاه استفاده شده است که این واژگان برای مظنون کاربرد دارد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸).

به نظر می‌رسد که در مقایسه‌ی حقوق داخلی و بین‌المللی در ارتباط با اصل تفسیر به نفع متهم در قواعد شکلی و اعمال اصول دادرسی عادلانه باید اصل مذکور را پذیرفته‌شده دانست،

¹ - <http://www.icicl.org/details.asp?id=258>

قلمرو این اصل گسترش یابد و نسبت به محاکم سابق مانند دادگاه نورنبرگ، شاهد گسترش این اصول باشیم.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسنده: نگارش این مقاله منفرداً توسط نویسنده انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

منابع و مأخذ

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *مبانی حقوق عمومی*. تهران: دادگستر.

- امید، جلیل (۱۳۷۷). «قواعد تفسیر قوانین جزایی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۱: ۷-۵۴.

- استقانی، گاستون؛ لواسور ژرژ و بولک، برنار (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی، جرم و مجرم*. ترجمه حسن دادبان، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد سوم، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

- آرنه، هانا (۱۳۶۳). *توتالیتاریسم*. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: نشر جاویدان.

- پرادل؛ جان و خزانی، منوچهر (۱۳۷۶). «به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین‌های دادرسی کیفری مختلف اروپایی». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۱: ۷۱-۹۴.

- پور بافرانی، حسن (۱۳۹۳). *حقوق جزای بین‌المللی*. چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.

به قاعده‌ی تفسیر به نفع متهم یاد کرد. در مقررات ماهوی و شکلی کیفری، اصل براءت سبب می‌شود که تردیدها و ابهامات به سود متهم تفسیر شود؛ چنانکه در رأی دیوان اصرار بر وجود دلایل متقن بر اثبات اتهام دیده می‌شود و پذیرش اتهام نیز این مکانیزم را متوقف نمی‌کند.

در محاکمات صورت‌گرفته در دیوان‌های بین‌المللی می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که برخی اصول حقوق کیفری در راستای نفع متهم تفسیر می‌شود، چراکه صلاحیت محاکم بین‌المللی به دلیل محدودبودن و اینکه نمی‌تواند بر مبنای یک قانون با ضمانت اجرا همراه باشد، عمدتاً اعمال نمی‌شود. ارتباط اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات با تفسیر به نفع متهم در این است که در موارد ابهام و اجمال قانون باید به‌نحوی به قانون استناد کرد که مجازاتی خارج از آنچه برای متهم در نظر گرفته شده است، تعیین نشود و این یعنی تفسیر به نفع متهم که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ هرچند که به صراحت این موضوع در اسناد بین‌المللی نیامده است، ولی به نظر می‌رسد که باید موضوع را به‌صورتی تبیین کنیم که واجد این اصل باشد.

تفسیر به نفع متهم در جرایم مختلف و در محاکم مختلف بین‌المللی دارای قلمرو متفاوتی است. به عبارت دیگر، رویه‌ی یکسانی نمی‌توان در دادرسی کیفری بین‌المللی سراغ گرفت و اصولی متقن نمی‌توان استنباط نمود؛ به‌عنوان مثال، جرایم جنسی که در حقوق کیفری ایران نیز بسیار مورد توجه قانون گذار بر مبنای اصول شریعت اسلامی بوده است و به نوعی، موسع و مفصل جرم‌انگاری شده است، در اساسنامه‌ی رم نیز مورد توجه قرار گرفت است و به نظر می‌رسد که این رویه توسعه جرم و امکان اعمال تفاسیر به زیان متهمین فراهم شده است.

هرچند ممکن است رویه‌ی ثابتی درخصوص اصل تفسیر به نفع متهم در اساسنامه‌ی محاکم کیفری بین‌المللی وجود نداشته باشد، اما کاملاً مشخص است که در سیر تحولی و تکوینی این محاکم، توجه به اصول دادرسی منصفانه و نیز توجه به بسیاری از معایب عدول از تفسیر به نفع متهم، موجب شده است که

- شجاعی، علی (۱۳۹۳). «شبهات‌ها و تفاوت‌های تف‌سی‌ر در حقوق جنایی ماهوی و شکلی». نشریه علمی پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۳: ۷۵-۹۶.

- عزیز، علیرضا؛ لیز، ژرار و ژینا، فیلیزولا (۱۳۸۷). «پیشینه و مبانی حمایت از بزه‌دیده و متهم در فرایند دادرسی کیفری». فصلنامه حقوقی گواه، ۱۴: ۱۷-۲۸.

- عینی، محسن (۱۳۸۱). «قلمرو حکومت قانون کیفری شکل در زمان». مجله الهیات و حقوق، ۶: ۷۹-۱۰۴.

- فخار طوسی، محمد جواد (۱۳۹۱). حقوق متهمان (بررسی فقهی- حقوقی). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- کاظم زاده، محمدمبین (۱۳۹۵). تفسیریه نفع متهم در رویه قضایی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی راضیه قاسمی. تهران: دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی.

- محسنی، مرتضی (۱۳۷۵). دوره حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.

- مدرس، علی اصغر (۱۳۷۵). حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر. تبریز: نوبل.

- معتمد، محمد علی (۱۳۵۱). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- معظمی، شهلا؛ نام‌یان، پیمان (۱۳۹۴). «نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی؛ دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها». پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۱): ۱۱۳-۱۴۶.

- مؤمنی، مهدی (۱۳۹۵). «اصول قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی». مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، ۵۵: ۱۵۹ - ۱۸۴.

- جعفری، فریدون (۱۳۹۰). دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی سازی حقوق کیفری (تعامل یا تقابل). چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- جعفری، فریدون، موسوی، سیده رؤیا و اسلامی‌همدانی، امیر (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب در حقوق داخلی ایران و اسناد و رویه‌های محاکم کیفری بین‌المللی». مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۴(۲۰): ۲۵-۵۲.

- حصاربولادی، فاطمه؛ سبحانی، مهین و جانی پور، مجتبی (۱۳۹۶). «بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴: ۹۱-۱۱۸.

- خداخواه، نسیم (۱۳۹۷). «حقوق بزه‌دیده و متهم در دیوان کیفری بین‌المللی». مجله وکیل مدافع، ۱۷: ۱۴۹-۱۶۶.

- دیرباز، مرضیه، عدالت انتقالی: عدالت معمولی یا ویژه؟ قابل دسترسی در: <http://www.icicl.org/details.asp?id=331>

- ذاکر حسین، هادی (۱۳۹۳). نقدی بر تصمیم دادستان دیوان نسبت به عدم ورود به وضعیت د‌عش. قابل دسترسی در: <http://www.icicl.org/details.asp?id=258>

- رضوی فرد، بهزاد و دیرباز، مرضیه (۱۳۹۲). «حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزه‌دیدگان». پژوهش حقوق کیفری، ۲(۳): ۶۷-۹۸.

- سرمست بناب، باقر (۱۳۸۷). اصل برائت در حقوق کیفری. تهران: نشر دادگستر.

- شاه چراغی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بطلان به‌عنوان ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات شکلی در قانون آیین دادرسی مدنی. قم: دانشگاه قم.

-W. A. Schabas (2010). *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*. Oxford University Press.

- Schabas, W. A (2010). *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*. Oxford University Press.

-Wemmers, J (2006). "Reparation and The International Criminal Court: Meeting The Needs of Victims", *Report of the workshop held, January 28th 2006*.

-مهدوی ثابت، محمد علی؛ آبانگاه، محمد؛ آشوری، محمد و اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۸). «تأثیر متقابل آرای دادگاه‌های کیفری ملی و محاکم کیفری بین‌المللی در پرتو قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹: ۸۰۱-۸۲۱.

-نوربها، رضا (۱۳۸۵). *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*. چاپ هفدهم، تهران: سمت.

-شاملو، باقر و مرادی، مجید (۱۳۹۲). «تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پولشویی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۷(۸۱): ۱۱۱-۱۵۹.

-زرعت، عباس (۱۳۹۱). *حقوق کیفری اقتصادی*. تهران: انتشارات جنگل.

-شریفی، عبدالحمید و شیدائیان، مهدی (۱۳۹۶). «الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهم؛ با نگاهی به جرایم اقتصادی». *علوم اجتماعی*، ۱۱: ۷۷-۹۸.

-الزبیدی، محمد مرتضی (۱۳۰۶). *شرح تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

-محمودی، فیروز (۱۳۷۸). «قاعده درء و تطبیق آن با تفسیر شک به نفع متهم در حقوق موضوعه». *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ۹: ۱۲۳-۱۵۹.

ب. منابع انگلیسی

-Aukerman (2002). Extraordinary evil ordinary crim: afra network for understomdiny transitional justice, *harward human rights journal*.

-Nouwen (2006). "Hybrid Courts: The Hybrid Category of a New Type of International Crims Courts", *Utrecht Law Review*, Vol. 2, No. 2.

-Prosecutor v. Lubanga (2010). *Redacted Decision on Intermediaries*, Case No. ICC.